

جنس دستوری در هoramی

بهروز محمودی بختیاری^۱، حیدر رنجبر چاکبودی^{۲*}، مینو نساجیان^۳

۱. استاد زبان‌شناسی گروه هنرهای نمایشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳. کارشناس ارشد زبان‌شناسی رایانشی، دانشگاه صنعتی شریف، تهران، ایران.

دریافت: ۹۶/۱۲/۱۱ پذیرش: ۹۶/۱۲/۱۱

چکیده

گورانی یکی از زبان‌های ایرانی شمال غربی است که به طور پراکنده در استان‌های کرمانشاه و کردستان ایران و بخش‌هایی از اقلیم کردستان عراق تکلم می‌شود و با توجه به گسترش نفوذ زبان‌های قدرتمند مجاور آن مانند فارسی، عربی و کردی، در معرض خطر است. یکی از ویژگی‌های دستوری زبان گورانی، جنس دستوری است که در مورد آن تنها به اشارات کوتاهی در برخی از منابع مانند (MacKenzie, 1966) و سجادی (۱۳۹۴) بر می‌خوریم. با توجه به نقش مؤثر جنس دستوری در صرف و نحو گورانی، این مقاله می‌کوشد تا با استفاده از داده‌های میدانی از دو گویش لهون (شمالی و جنوبی) و هoramی تخت، به نقش، کاربرد و صورت گوناگون این ویژگی دستوری در این زبان بپردازد. داده‌های این پژوهش با استفاده از چارچوب نظری (Corbett, 1991) بررسی شده و روش تشخیص جنس دستوری واژه‌های مشتق، مرکب و واوواژه‌ها تعیین شده است. نتایج به دست آمده، تفاوت‌های معناداری را در کاربرد جنس دستوری هنگام واگیری واژه از زبان‌های دیگر و تکواژه‌های حالت در دو جنس مذکور و مؤنث و شناسه‌های فعلی و تأثیر جنس دستوری اسم بر واپسنهای اسمی در دو گویش مذکور هoramی شنان می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: جنس دستوری، زبان در معرض خطر، هoramی لهون شمالی و جنوبی.

۱. مقدمه

زبان گورانی یکی از زبان‌های شمال غربی - خانواده زبان‌های ایرانی - است. (کریمی دوستان و Allison, 2007: ۱۳۹۰؛ Blau, 1989: ۲۲۴؛ ۱۳۹۵؛ نغزگوی‌کهن و نقشبندی، ۷۴: ۱۳۹۰)

۱۳۸: دبیر مقدم، ۷۹۴: ۱۲۹۲؛ رضایی باغبیدی، (۱۸۱: ۱۲۸۸) البته، کسانی مانند بامشادی و همکاران (۶۰: ۱۳۹۵) و رخزادی (۳۵: ۱۳۹۰) نیز معتقدند گورانی و گویش‌های آن شاخه‌ای از زبان کردی هستند. گویش‌های هورامی لهون، هورامی تخت، کندوله‌ای، گورانی، باجلانی و کاکه‌ای از گویش‌های این زبان هستند. این زبان در استان‌های کرمانشاه و کردستان ایران و بخشی از اقلیم کردستان عراق تکلم می‌شود. هورامی لهون خود به دو لهجه شمالی و جنوبی تقسیم می‌شود که لهجه جنوبی در روستاهای داریان، خانه‌گا، گرال، دشه و شهر پاوه در استان کرمانشاه و لهجه شمالی در بخش نوسود شهرستان پاوه بهویژه شهرهای نوسود و نودشه و در خاک کشور عراق نیز روستاهایی مانند تهولیه، پلاتیا، سوسه‌کان، بیاره و ... رواج دارد و نیز گویش هورامی تخت نیز در بخش اورامان شهرستان سروآباد و روستاهایی از شهرستان مریوان استان کردستان تکلم می‌شود.

زبان گورانی به دلیل تعداد کم گویشوران آن، در زمرة زبان‌های در معرض خطر گرفته است (Moseley, 2007: 328). اگر زبانی از بین برود، فرهنگ و دانش سخن‌گویان آن زبان خاص از جهان، بیماری‌ها، اعتقادت مذهبی و فلسفی و ... نیز از بین می‌رود. گورانی در بین زبان‌های ایرانی برخی ویژگی‌های دستوری را از دیرباز تاکنون حفظ کرده است. یکی از این ویژگی‌ها طبقه‌بندی اسمها بر اساس جنس دستوری است. این ویژگی در بسیاری از زبان‌ها بهویژه زبان‌های هندواروپایی برای طبقه‌بندی اسمها بهکار می‌رود. مهم‌ترین کاربرد جنس دستوری، رفع ابهام است. اسمها از نظر طبقه‌بندی جنس می‌توانند با مقولة‌های دیگر زبان مانند صفات، حرف تعریف، ضمایر، افعال و ... مطابقت داشته باشند که در تشخیص هسته سازه‌ها در جمله‌ها می‌توان از تطابق بهره برد. همچنین، از این ویژگی می‌توان در رفع ابهام واژه‌های هم‌آوا با جنس‌های دستوری متفاوت استفاده کرد، چنان‌که واسته‌های اسمی واژگان تعیین‌کننده معنای اسم‌های هم‌آواست. نکته دیگری که سبب می‌شود مطالعه جنس دستوری مورد توجه پژوهشگران و زبان‌شناسان قرار گیرد، این است که این ویژگی نشان می‌دهد، چه اطلاعاتی از زبان در ذهن انسان ذخیره می‌شوند.

با توجه به اهمیت موضوع جنس دستوری و در معرض خطر بودن زبان گورانی، در این مقاله سعی شده است تا به ویژگی جنس دستوری این زبان در سه گویش هورامی لهون شمالی و جنوبی و هورامی تخت پرداخته شود. در بخش دوم این پژوهش، تعریفی از جنس دستوری ارائه

و به نظریات مختلفی درباره این موضوع اشاره می‌شود. بخش سوم این پژوهش درباره پژوهش‌های مرتبط با زبان هورامی است. در بخش چهارم، به نحوه گردآوری داده‌ها پرداخته و در بخش پنجم با توجه به داده‌های گردآوری شده از دو گویش هورامان لهون (لهجه‌های شمالی و جنوبی) و هورامان تخت، به جنس دستوری کلمات بر پایه چارچوب نظری کوربت (1991) در این سه گویش پرداخته و نحوه تشخیص و تخصیص نشانه دستوری در این زبان توضیح داده می‌شود. بخش ششم این پژوهش، به موضوع مطابقت جنس و محدودیت‌های آن بر کلمات زبان هورامی می‌پردازد. در نهایت، در بخش هفتم این مقاله به نتایج حاصل از این پژوهش اشاره می‌شود.

۲. مبانی نظری

۲-۱. تعریف جنس دستوری

واژه «جنس» به لحاظ ریشه‌شناختی از واژه لاتین *genus* مشتق شده است (Corbett, 1991: 1). اصطلاح «جنس»^۳ در ادبیات به نشانه جنسی (تمایز ریست‌شناختی جنس) و به گروه‌های اجتماعی زن و مرد گفته می‌شود (Alvanoudi, 2014: 2). از دیدگاه رایتر^۴ (1993: 799) جنس را نمی‌توان همانند ویژگی شمار بر اساس ویژگی معنایی یا اسمها پیش‌بینی یا انتخاب کرد و تا حد زیادی اختیاری هستند. به عقیده گرینبرگ^۵ (1963: 95) اگر زبانی جنس دستوری داشته باشد، مقوله شمار نیز دارد. الکسیادو^۶ و همکاران (2007: 236-237) نیز تفاوت اساسی بین ویژگی‌های شمار و جنس قائل شده‌اند و معتقدند که ویژگی شمار (فرد، جمع و...) را می‌توان انتخاب کرد؛ اما جنس دستوری بخشی از معنای واژگانی هر اسمی است و نمی‌توان آن را انتخاب کرد. جنس دستوری بخش تفکیک‌ناپذیر ستاک اسم است و به وند تصریفی ربطی ندارد.

اصطلاح جنس به معنی «نوع» یا «طبقه» است؛ اما در کاربرد زبان‌شناسی اروپایی این اصطلاح به مذکور، مؤنث و خنثی تقسیم‌بندی می‌شود. این تقسیم‌بندی در ویژگی‌های دستوری مانند مطابقت^۷ منعکس می‌شود. اگر جنس دستوری بر مبنای معنا به واژه‌های مذکور و مؤنث تخصیص داده شود، به این جنس، جنس طبیعی^۸ گفته می‌شود. بسیاری از واژه‌ها در برخی زبان‌ها نظیر ایتالیایی به لحاظ معنایی ماهیت مذکور و مؤنث بودن را ندارند؛ اما جزء این طبقه‌بندی به شمار می‌آیند که به این نوع جنس، جنس دستوری^۹ گویند (Brown & Miller, 2013: 187). آیخنوالد^{۱۰}

(2000: 18-19) در کتاب خود بین چنین پیشنهادی بین دو اصطلاح «طبقات اسم» و «جنس» تمایز ایجاد کرده است. طبقات اسمی می‌تواند شامل جنس دستوری کلمات، جاندار یا بی‌جان بودن، اندازه جسم، شکل ظاهری جسم و ... باشد؛ اما «جنس» تنها به مذکور مؤنث و در برخی زبان‌ها خنثی بودن کلمات اشاره دارد. واژه‌ها الزاماً نشانه جنس (طبقه) را ندارند؛ اما (بالاجبار) تطابق بین سایر طبقات واژگان، هم داخل و هم خارج از گروه اسمی دیده می‌شود. - (Hellinger, 2001: 5)

(7): یک زبان می‌تواند شامل دو یا چند طبقه یا جنس باشد. این طبقه‌بندی بیشتر با تمایزات جنسی در دنیای خارج مطابقت می‌کند؛ اما همیشه این‌طور نیست. بسیاری از زبان‌های هندواروپایی جنس دارند (برخی سه و برخی دو) و تعداد کمی از آن‌ها جنس دستوری خود را از دست داده‌اند (Corbett, 1991: 2). بیکر^{۱۰} (2004: 109) نیز در کتاب خود جنس را ویژگی واژ- نحوی ذاتی اسمها تعریف می‌کند و در ادامه به این مورد می‌پردازد که صفات و افعال دارای این ویژگی نیستند و تنها در شرایط مطابقت جنس با اسمها این ویژگی در آن‌ها نمایان می‌شود.

۲- نظریه‌های جنس دستوری

نظریه‌های جاکوب گریم و بروگمن^{۱۴}، دو نظریه درباره جنس دستوری هستند که تضاد کاملی با هم دارند. این دو نظریه به این موضوع می‌پردازند که آیا جنس واژه‌ها بر پایه جنس^{۱۵} زیستی است یا خیر. بسیاری از اشیایی که فاقد جنس زیستی هستند، به لحاظ جنس دستوری مذکور یا مؤنث محسوب می‌شوند؛ اما گریم معتقد است که هندواروپایی‌ها برای واژه‌ها، به‌شکل واقعی یا غیرواقعی، جنس زیستی قائل شدند که همین امر به پدید آمدن جنس دستوری منجر شد. از طرفی دیگر، نظر بروگمن و همچنین پروکوچ^{۱۶} این است که جنس دستوری جدا از جنس زیستی است. بر مبنای این نظریه، جنس دستوری ربطی به جنس زیستی ندارد و هندواروپایی‌ها استفاده از این ویژگی را بسط داده‌اند. هرت^{۱۷} بر این باور است که هند و اروپاییان از جنس دستوری استفاده می‌کردند؛ اما از آن در اسمی استفاده نمی‌کردند و تنها کاربرد در تصویری ضمایر و تاحدی تصریف صفتی بود (Mueller, 1943: 90 - 98).

به عقیده دستورنويسان عهد عتیق کلاسیک سخن‌گو حق دارد به‌شکل اختیاری جنسی را برای شیئی که فاقد جنس زیستی است، انتخاب کند. جاکوب گریم و آبلونگ اسمی را بر اساس یک سری از ویژگی‌ها به دو دسته مؤنث و مذکر تقسیم‌بندی کردند (Brugmann, 1897: 7 - 8).

کوربیت (1991: 62) نیز زبان‌ها را بر اساس بارز بودن و پنهان بودن نشانه جنس به دو دسته تقسیم می‌کند: (الف) زبان‌هایی با جنس دستوری بارز^{۲۰} که در آن‌ها جنس را می‌توان در صورت^{۲۱} واژه‌ها مشاهده کرد. (ب) زبان‌هایی با جنس دستوری پنهان^{۲۲} که جنس را نمی‌توان در صورت واژه‌ها تشخیص داد. البته باید خاطر نشان کرد که زبان‌ها می‌توانند از ترکیب مختلف این فاکتورها استفاده کنند و استثنایی را نیز شامل شوند. بعلاوه از دیدگاه او (8: 1991)، به منظور تخصیص جنس دستوری به واژه‌ها، باید به اطلاعات پایه^{۲۳} واژه‌ها دسترسی داشت که این اطلاعات شامل معنای واژه و صورت واژه هستند. همچنین، وی در کتاب خود به دو نظام معنایی و صوری به منظور تخصیص جنس به کلمات قائل می‌شود و در ادامه به نحوه مطابقت جنس دستوری کلمات اشاره کرده است و به محدودیت‌هایی نظری محدودیت شخص، شمار، حالت، واجی و ... می‌پردازد که بر مطابقت جنس در کلمات اعمال می‌شوند. در ادامه این پژوهش به این دو نظام و شرایط مطابق جنس و محدودیت‌ها در زبان گورانی پرداخته خواهد شد.

۳. پیشینهٔ پژوهش

تاکنون دربارهٔ هoramی و بهویژه جنس دستوری در هoramی آثار زیادی تألیف نشده است. از معروف‌ترین پیشروان این راه می‌توان به کتاب گویش اورامان نوشتهٔ مکنزی (1966) اشاره کرد که وی از طریق گویشوری اهل نوسود با گویش هoramی لهون شمالی آشنایی می‌شود و در کتاب خود به معرفی این گویش و ساختارهای دستوری آن می‌پردازد و جنس دستوری گویش لهون شمالی را به صورت گذرا معرفی می‌کند. از آنجا که این اثر در مورد همهٔ ویژگی‌های دستوری گویش لهون شمالی است، به جنس دستوری آن‌طور که باید و شاید نپرداخته است و از سویی فقط یکی از سه گویش لهون شمالی، جنوبی و تخت را بررسی کرده است؛ از جمله آثاری که اختصاصاً به جنس دستوری در هoramی پرداخته است، می‌توان به کتاب جنس دستوری در زبان هoramی نوشتهٔ سید مهدی سجادی (۱۳۹۴) اشاره کرد که به‌طور ویژه به بررسی جنس دستوری در گویش هoramی تخت پرداخته است، در این اثر نیز هیچ مقایسه‌ای بین سه گویش هoramی انجام نشده است. در این پژوهش با گردآوری داده‌های زبانی از گویش هoramی لهون جنوبی، نتایج بررسی ویژگی جنس دستوری در سه گویش هoramی تخت و هoramی لهون شمالی و جنوبی مقایسه می‌شود.

۴. روش پژوهش

در این پژوهش از مصاحبه با گویشوران گویش‌های هورامی تخت و هورامی لهون، داده‌های مورد نیاز استخراج شده است. برای استخراج داده‌های گویش هورامی لهون لهجه شمالی از سه گویشور اهل شهرهای نوسود و نودشه و برای لهجه جنوبی از دو گویشور اهل شهر پاوه و نیز برای گویش هورامی تخت از سه گویشور اهل شهر اورامان تخت از توابع شهرستان سروآباد استان کردستان مصاحبه شده است و داده‌های استخراج شده در قالب نظام معنایی و صوری کوربیت (1991) با داده‌های جمع‌آوری شده از سوی مکنزی (1966) و سجادی (۱۳۹۴) مقایسه شد و نحوه بروز جنس در سه گویش مذکور بررسی شد.

۵. بررسی جنس دستوری واژه‌های هورامی

۵-۱. نظام معنایی

در بخش نظریه‌های جنس دستوری اشاره شد که کوربیت به منظور بررسی جنس دستوری کلمات، به دو نظام معنایی و صوری قائل می‌شود. از دیدگاه او (13: 1991) در نظام معنایی کافی است معنای واژه‌ای را برای تشخیص جنس آن بدانیم. البته ممکن است استثنایی نیز در این نظام رخ دهد. در زبان‌هایی که جنس دستوری دارند، اسمهایی که به «زن» یا «دختر» اشاره می‌کنند، به لحاظ دستوری مؤنث به شمار می‌روند و واژه‌هایی که به «مرد» یا «پسر» اشاره دارند، مذکور هستند (20 - 18: Alvanoudi, 2014). باقی اسمها که به آن‌ها پس‌ماند معنایی^{۲۴} نیز گویند، جنس دیگری را می‌گیرند. طبق نظام معنایی، جنس معمولاً به ویژگی‌های فرازبانی^{۲۵} زن و مرد (طبیعی^{۲۶} یا زیستی^{۲۷}) مربوط می‌شود. در هورامی، اسمهایی نظیر «مادر»، «خواهر» و «پسر» وجود دارند که به لحاظ واژگانی دارای ویژگی‌های معنایی مذکور و مؤنث هستند. چنین اسمهایی را می‌توان به عنوان جنس - خاص^{۲۸} (مختص جنس مذکر^{۲۹} و مختص جنس مؤنث^{۳۰}) در نظر گرفت . (Hellinger, Bußmann, 2001: 6 - 11).

۵-۲. نظام صوری

بهدلیل آنکه زبان‌هایی با معیار معنایی، شامل استثناهای زیادی هستند و از روی معنای تمامی واژه‌ها نمی‌توان جنس آن‌ها را معین کرد، این اسمها با استفاده از قاعده تخصیص صوری^{۳۱}

جنس دستوری می‌گیرند. قاعده تخصیص صوری به دو نوع تقسیم می‌شوند: . الف) ساختار صوتی^{۳۲} که دارای اطلاعات مربوط به واج‌شناسی واژه است. ب) ساختار واژه^{۳۳} که دارای اطلاعات ساخت اشتقاقي^{۳۴} و ساخت تصريفی^{۳۵} (اطلاعات ساخت واژه) می‌شود زبان‌ها می‌توانند از ترکیب مختلف این فاكتورها استفاده کنند و استثناهایی را هم شامل شوند (Corbett, 1991: 33 - 52.

۵-۲-۱. ساختار صوتی

در هoramی اسم، ضمیر، صفت، فعل و حرف تعريف دارای نمود جنس دستوری هستند و بر اساس نظام واجی، جنس دستوری اسم تعیین می‌شود. در این زبان جنس دستوری اسم به واج پایانی و جایگاه تکیه وابسته است و اسمهایی که به همخوان (غیر از [j]) و واکه‌های تکیه‌دار [-] [a, -i, -o] و [-u] پایان می‌یابند، مذکر هستند. به علاوه، اسمهایی که به واکه‌های بدون تکیه [-i] و [-a] و واکه تکیه‌دار [-e] پایان می‌یابد، مؤنث هستند. بیشتر اسمهایی که به واکه تکیه‌دار [-a] پایان می‌یابند مذکر هستند. همچنین بیشتر اسمهایی که به همخوان [-j] پایان می‌یابند مؤنث هستند (MacKenzie, 1966: 13-18).

اسمهای زیر مذکر هستند.

ha'n-a
spring-MASC
mez'g-i
mosque-MASC
ba'l-u
oak-MASC
ma'm-o
uncle-MASC
'goʃ
ear(MASC)

اسمهای زیر نیز مؤنث هستند.

k(i)na'tʃ-e
girl-FEM
'zən-i
woman-FEM
'lamm-a
belly-FEM
'nwaj
pea(FEM)

برخی از اسم‌ها علاوه بر ویژگی‌های آوایی از نظر معنایی نیز مذکور یا مؤنث هستند؛ مثلاً اسم‌هایی مانند *pjɑ'* (مرد)، *'kor* (پسر)، *za'mɑ* (داماد)، *ma'mo* (عمو) و *la'lɑ* (دایی) از نظر معنایی نیز مذکور هستند و اسم‌هایی مانند *k(ɑ)nɑ'lʃe* (دختر)، *'zani* (زن)، *wa'te* (خواهر) و *se'te* (خواهرشوهر) از نظر معنایی مؤنث هستند.

۲-۵. ساختار واژه

ساختهٔ واژهٔ حوزه‌ای است که جنس به آن مربوط می‌شود. در زبان‌هایی که دارای جنس دستوری یا فاقد آن هستند، فرایندهای اشتراقی و ترکیب، نقش مهمی را در ساخت اسم‌های شخصی با جنس ایفا می‌کنند (Hellinger, 2001: 11) - انواع روش‌های ساخت واژهٔ عبارت‌اند از: تغییر مقوله^{۷۳}، فرایند اشتراق و فرایند ترکیب. به علاوه در این بخش به نحوهٔ تخصیص جنس به وام‌واژه‌ها^{۷۴} نیز اشاره شده که یکی دیگر از راه‌های افزایش کلمات زبان محسوب می‌شود.

۵-۲-۱. فرایند اشتراق

اشتقاق فرایندی است که سبب تغییر طبقهٔ واژهٔ پایه می‌شود. اسم‌ها می‌توانند از افعال مشتق شوند، صفات می‌توانند از اسم‌ها ساخته شوند و به بیانی دیگر، اشتلاق برای ساخت واژهٔ جدید با مفهوم متفاوت، استقاده می‌شود (Haspelmath, 2010: 87). اسم‌های مشتق با توجه به پسوندی که در ساخت آن‌ها به کار می‌رود، مذکور یا مؤنث هستند. در ادامه نمونه‌هایی از سه گویش گورانی مشاهده می‌شود.^{۷۵}

<i>bɪrɑ+jati</i> → <i>bɪrɑ-ja'tiT. =bɪrɑ</i>
brother.MASCSUFFbrotherhood.MASC
<i>pɑ'wɑ+jan-a</i> → <i>pɑwɑ-ja'n-a</i>
Paveh.MASCSUFF-MASC Pavehlike-SUFF-MASC
<i>qa'im+jan-e</i> → <i>qa'im-ja'n-e</i>
oldSUFF-FEMoldlike-SUFF-FEM
<i>bez+l-a</i> → <i>bez-'l-aN.L=bɪzT.=bəz</i>
goatSUFF-MASC goat(kid)-SUFF-MASC
<i>bez+l-e</i> → <i>bez-'l-e</i>
goatSUFF-FEM goat(kid)-SUFF-FEM

در هoramی صفت‌های مشتق برای هر دو جنس مذکور و مؤنث ساخته می‌شوند؛ یعنی بدون توجه به آنکه اسم به کار رفته در ساختمان آن‌ها از چه جنسی است، می‌توان هم صفت مؤنث و

هم صفت مذکر ساخت.
صفت‌های مشتق از اسم:

?asın → ?asın-'gar → ?asın-'gar-a
iron-MASC.SGiron-SUFF.MASC (blacksmith)iron-SUFF-FEM
zanı → zan-a'n-a → zan-a'n-e
women-FEMwomen-SUFF-MASC (feminine)women-SUFF-FEM

صفت‌های مشتق از فعل:

zan- → na-'zan → na-'zan-a
know-PR.PRTNPREF-know-PR.PRT-MASCPREF-know-PR.PRT-FEM
wan- → wan-'j-a → wan-'j-eT.= wən-N.L=wan-
read-PR.PRTread-PR.PRT-HI-MASCread-PR.PRT-SUFF-FEM

۲-۲-۲-۲-۵. فرایند ساخت واژه‌های مرکب

واژه مرکب دستکم از دو پایه تشکیل شده است که هر کدام یک واژه یا ریشه هستند (Katamba, 1993: 55). از آنجا که واکه پایانی و جایگاه تکیه نشان‌دهنده جنس دستوری در هورامی هستند، جنس دستوری آخرین تکواژ تعیین کننده جنس دستوری واژه مرکب است.

'ʃaw-a+'nima → saw-'nimaT.= 'ʃavaT.= 'nma
night-FEMpray-FEMnight-pray-FEM
'qaw-i+na'wat → ?qaw-na'watT.= ?qviT.=na'bat
water-FEMcandy-MASCwater-candy-MASC
ma'mo+'zan-i → mam-o-'zan-i
uncle-MASCwoman-FEMuncle-woman-FEM(uncle's wife)

۲-۲-۲-۳. وامواژه‌ها

ساده‌ترین فرضیه این است که جنس وامواژه‌ها با قاعدة تخصیص عادی^۴ تعیین می‌شود و تخصیص جنس به آن‌ها مشابه سایر واژه‌های زبان است (Corbett, 1991: 74).

عامل دیگری نیز درباره تعیین جنس دستوری وامواژه‌ها از سوی پاپ‌لاک^۵ و همکاران (1982: 3-21) مطرح شده است. وامواژه‌ها می‌توانند جزو دسته جنس بی‌نشان^۶ باشند. به عبارتی، با ورود وامواژه‌ها به یک زبان، جنسی را می‌گیرند که آن جنس در بردارنده بیشترین تعداد واژه‌های آن زبان است. به بیان ساده، اگر یک جنس دستوری (مثلاً مذکر) بیشترین تعداد واژه‌ها را در بردارد، جنس وامواژه‌ها نیز مذکر می‌شوند.

واژه‌های فارسی و عربی‌ای که قرن‌ها پیش به زبان هورامی راه یافته‌اند با توجه به تلفظ آن‌ها

بر اساس قواعد آواشناسی هoramی جنس دستوری مذکور یا مؤنث پذیرفته‌اند؛ اما واژه‌هایی که اخیراً (بهویژه از زبان‌های اروپایی) به هoramی راه یافته‌اند، در هoramی تنث و لهون جنوبی عموماً جنس دستوری مذکر و لهون شمالی معمولاً جنس مؤنث را می‌پذیرند. با توجه به پایانه‌های آوابی‌ای که به وام‌واژه‌هایی در هر گویش اختصاص داده شده است، این واژه‌ها نیز مانند دیگر واژه‌های زبان دارای جنس دستوری شده‌اند و صفت‌ها، حرف تعریف و فعل‌های مذکور یا مؤنث با توجه به پایانه‌های آوابی‌شان به آن‌ها تعلق می‌گیرد.

T.	N.L. S.L.
mahva'r-a	mahwa'r-emahwa'r-a Persian word
Satellite-MASC	satellite-FEMsatellite-MASC
ho'tel-a	ho'tel-e ho'tel-a
hotel-FEM	hotel-FEMhotel-FEM
'rasturan-a	'rasturan-e'rasturan-a
restaurant-FEM	restaurant-FEM restaurant-FEM
'motər	'motr-a mote'r-a
motor-MASC	motor-FEM motor-MASC
boʃ'k-a	boʃ'k-eboʃ'ka Russian word
barrel-MASC	barrel-FE Mbarrel-MASC
maʃ'in	maʃ'in-a maʃ'in
machine-MASC	machine-FE Mmachine-MASC
talavəz'jon	telawizjo'n-etelawiz'jon French word
television-MASC	television-FEM television-MASC
kampjo'tər	kampijo'ter-akampijo'ter
computer-MASC	computer-FEM computer-MASC
tajd'a-ra	taja'r-etajd'a Arabic word
airplane-MASC	airplane-FEM airplane-MASC

برای مثال وام‌واژه mahwa'ra موارد زیر مشخص کننده جنس‌پذیری این واژه در هoramی است.

mahwa'r-a+-ak+-'a → mahwa'r-a'k-a
 satellite-MASCDEFMASCsatellite-DEF-MASC
 mahwa'r-a-jgaw'r-a
 satellite-MASC-IZbig-MASC

۶ مطابقت جنس

از دیدگاه کوربیت (1991: 105-113) به دلیل موضوع مطابقت جنس مهم است: الف) روشی

است که از طریق آن می‌توان جنس را در زبان تشخیص داد. ب) زمینه را برای تعریف جنس و تعیین تعداد جنس در زبان فراهم می‌کند. در جنس دستوری، مطابقت را می‌توان با عناصر مختلفی نظیر صفات، حرف تعریف معین و نامعین، نشانهٔ مالکیت، افعال، ضمایر، قید و متمسازها مشخص کرد.

در هoramی وابسته‌های اسمی از نظر جنس دستوری با اسم مطابقت دارند. هoramی دارای حرف تعریف معین^{۴۴} و حرف تعریف نامعین^{۴۵} است. حرف تعریف معین در این زبان ak- است که با توجه به جنس دستوری اسم تکواز'-a- برای جنس مذکور و e- برای جنس مؤنث به آن افزوده می‌شود. تکوازگونه k- حرف تعریف معین به اسمهای مختوم به a یا a افزوده می‌شود و در صورتی که به اسمهای مؤنث مختوم به a- و e- افزوده شود، واکهٔ پایانی اسم حذف می‌شود و سپس حرف تعریف معین افزوده می‌شود. در صورتی که به اسمهای مذکور مختوم به a- یا u- افزوده شود یا تنها تکوازگونه k- به اسم افزوده می‌شود یا این واکه‌ها به ترتیب به j- و w- تبدیل می‌شوند و سپس حرف تعریف افزوده می‌شود.

```
k(1)na'tʃ-e+-ak+-'e → k(1)nətʃ-a'k-e
girl-FEMDEFFEMgirl-DEF-FEM
'kor+-ak+-'a → kor-a'k-aT.=korN.L='kur
boy_MASCDEFMASCboy-DEF-MASC
?a'u-a+-ak+-'e → ?aɪə'-k-e
mother-FEMDEFFEMmother-DEF-FEM
ro+ak+-'a → ro-'k-a
day-MASCDEFMASCday-DEF-MASC
```

حرف تعریف نامعین در هoramی ew- است. بیانگر جنس مذکور، تکواز صفر و بیانگر جنس برای جنس مؤنث، a- است (در هoramی تخت برای جنس مؤنث حرف تعریف نامعین و بیانگر به صورت ev-a- تلفظ می‌شود). در اسمهای مختوم به a- یا این واکهٔ حذف می‌شود یا همخوان میانجی j- پس از این واکه درج می‌شود. واکهٔ a- پایانی اسمهای مذکور به j- تبدیل می‌شود؛ اما واکه‌های a- و e- پایانی اسمهای مؤنث و واکهٔ a- اسمهای هر دو جنس حذف می‌شوند. واکه‌های o- و u- پایانی نیز یا به w- تبدیل می‌شوند یا همخوان میانجی j- پس از آن‌ها درج می‌شود و سپس حرف تعریف نامعین افزوده می‌شود.

```
k(1)na'tʃ-e+-ew+-a → k(1)nətʃ-e'w-a
girl-FEMIDEFFEMgirl-IDEF-FEM
'kor+-ew+∅ → ko'r-ewT.=korN.L=kur
```

boy_{MASC}IDEFMASCboy-IDEF_{MASC}
 pi'a+-ew+Ø→pi-'ew
 man-MASCIDEFMASCman-IDEF_{MASC}
 ?a'l-a+-ew+a→?a'l-e'w-a
 mother-FEMIDEFFEMmother-IDEF-FEM

در هoramی صفت از نظر جنس با اسم (موصوف) مطابقت دارد.

k(i)teb-isi'aw
 book_{MASC}-I_Zblack_{MASC}
 k(i)na'tf-eza'rif-a
 girl-FEM.I_Zbeautiful-FEM
 jan-a-jgaw'r-a
 house-MASC-I_Zbig-MASC
 k(i)teb-esi'aw-e
 book-PL.I_Zblack-PL

برای مؤنث کردن صفات‌های مذکری که با واکه -a- یا -e- پایان می‌یابند، واکه پایانی حذف می‌شود و بیانگر جنس -e- جایگزین آن می‌شود. صفات‌های مذکر مختص به همخوان نیز واکه -a- بیانگر جنس مؤنث به آن افزوده می‌شود.

tʃar'm-a→tʃar'm-+-e→tʃar'm-e
 white-MASCwhiteFEMwhite-FEM
 ?a'z-a→?a'z-+-e→?a'z-e
 brave-MASCbraveFEMbrave-FEM
 'barz+-a→'barz-a
 tall_{MASC}FEMtall-FEM

در صفات‌های برتر، برای جنس مذکر و مؤنث به ترتیب -tar- و -tara- و صفات‌های برترین برای جنس مذکر به ترتیب -ta'rīn- و -ta'rīna- به صفت افزوده می‌شود.

tʃar'ma+-tar→tʃarma-'tar
 whiteCOMPV_{MASC}white-COMPV_{MASC}
 tʃar'ma+- 'tar-a→tʃarma-'tar-a
 whiteCOMPV-FEMwhite-COMPV-FEM
 tʃar'ma+-ta'rīn→tʃarma-ta'rīn
 whiteSUPER_{MASC}white-SUPER_{MASC}
 tʃar'ma+- ta'rīn-a→tʃarma-ta'rīn-a
 whiteSUPER-FEMwhite-SUPER-FEM

صفات‌های اشاره (به جز این و آن) و پرسشی نیز از نظر جنس با اسم مطابقت می‌یابند.

pa's-a → pa's-eT.=pas'na/pas'ne
like that-MASClike that-FEM
pja-jpas-a/zan-ipas-e
man-MASC-IZlike that-MASCwoman-FEM.IZlike that-FEM

۶ - ۱. محدودیت بر مطابقت جنس

کوربت (124: 1991) در کتاب خود به محدودیت‌هایی درباره مطابقت جنس اشاره می‌کند و به این نکته می‌پردازد که تمامی اعضای متعلق به یک گروه از واژه‌ها، در هر شرایطی با اسم مطابقت ندارند و محدودیت‌هایی روی تطابق بین اسم و واوسته‌های آن وجود دارد. او محدودیت‌ها را به محدودیت نحوی، زمانی، شخص، شمار، طبقه ساخت‌واژی، حالت، واجی و واژگانی تقسیم‌بندی می‌کند.

۶ - ۱ - ۱. محدودیت زمانی

مفهوم‌های دستوری بسیاری وجود دارند که برای مطابقت جنس شرط و محدودیت تعیین می‌کنند. برای مثال، در زبان روسی، افعال به لحاظ جنس با جنس فاعل مطابقت دارند؛ اما این مورد فقط زمانی اتفاق می‌افتد که زمان فعل، گذشته و شرطی باشد. برای سایر زمان‌ها افعال تنها به لحاظ شخص و شمار با فاعل تطابق دارند (Corbett, 1991: 125).

افعال ربطی سوم شخص مفرد «هستن» و «شنن» و افعال لازمی که ستاک گذشته آن‌ها به همخوان ختم شود، در گذشته ساده دارای تمایز جنس دستوری مذکر و مؤنث هستند (سجادی، ۱۳۹۴: ۱۷۰). در حال ساده، التزامی و استمراری جنس در هیچ‌یک از شخص‌های دستوری دارای تمایز نیست. در صورتی که در دیگر زمان‌ها جنس دستوری در هر سه شخص مفرد متایز است.

'kar-→ka'r-o
do-PRdo-PR-COP3s
'mar-1-→'mar-1-Ø'mar-1-a
die-PASTdie-PAST-MASC.3sdie-PAST-FEM.3s

۶ - ۱ - ۲. محدودیت شخص

کوربت (126: 1991) از زبان‌هایی نظری زبان اسلامی^۶ یاد می‌کند که در این زبان فعل کمکی به لحاظ شخص و شمار با فاعل تطابق دارد؛ اما به لحاظ جنس با فاعل مطابقت ندارد و تنها قسمت

سوم فعل (فعل اصلی) به لحاظ جنس با فاعل مطابقت پیدا می‌کند (در ساختهایی که فعل کمکی به همراه قسمت سوم فعل اصلی به کار رفته است).

در زبان هoramی این محدودیت درباره ضمیرهای سوم شخص مفرد صدق می‌کنند و تنها ضمیرهای فاعلی و غیرفاعلی سوم شخص دارای جنس دستوری هستند. خاطر نشان می‌شود ضمیرهای پیوسته جنس دستوری ندارند.

ضمیرهای فاعلی سوم شخص مفرد:

ذکر و نزدیک: *?e.i* مذکر و دور: *?a.I* مؤنث و دور: *?a?I*

ضمیرهای غیرفاعلی سوم شخص مفرد:

ذکر و نزدیک: *e.Ii* مذکر و دور: *a.Ii* مؤنث و دور: *a?Ii*

ضمیرهای اشاره:

نزدیک: مذکر: *?i'na* مؤنث: *?i'ne* دور: مذکر: *?a'na* مؤنث: *?a'ne*

مطلوبی که در قسمت قبل درباره افعال ربطی سوم شخص مفرد ربطی «هستن» و «شدن» و افعال لازم که با ستاک مختوم به همخوان نکر شد، در این بخش نیز صدق می‌کند.

'han-→'han-Ø'han-a
be-PRbe-PR-MASC.3sbe-PR-FEM.3s
'a-na
ENCbe-MASC.3sENCbe-FEM.3s
'kaw-t-→'kaw-t-Ø'kaw-t-a
fall-PASTfall-PAST-MASC.3sfall-PAST-FEM.3s

به جز زمان‌های حال ساده، التزامی و استمراری، در صرف فعل دیگر زمان‌ها در هر سه شخص مفرد تمایز جنس دستوری مذکر و مؤنث دیده می‌شود.

۶ - ۱ - ۳. محدودیت شمار

به عقیده کوربیت (1991: 132) شمار مقوله‌ای است که به جنس کاملاً ربط دارد. در برخی زبان‌ها جنس دستوری به اسم‌های مفرد محدود می‌شود و تنها واژه‌هایی مفرد هستند که به لحاظ جنس، صورت متفاوت به خود می‌گیرند. در واژه‌های جمع، نمی‌توان جنس واژه‌ها را فهمید؛ چون نشانه جنس در این واژه‌ها به کار نمی‌رود.

در هoramی نیز جنس تنها در شمار مفرد نمود دارد. تکواز جمع در حالت فاعلی چه برای

اسم‌های مذکور و چه مؤنث [-e] و [-i] است. در هoramی تخت [-i] تنها برای اسم‌های مؤنث مختوم به [-i] به کار می‌رود، در این صورت این تکواز هم نشانه جمع و هم نشانه مفرد مؤنث است و با توجه به بافت شمار آن تشخیص داده می‌شود. (سجادی، ۱۳۹۴: ۱۱۹) در هoramی لهون شمالی اسم مؤنث مختوم به [-i] در شمار جمع بدون تغییر می‌ماند و چیزی به آن افزوده نمی‌شود (MacKenzie, 1966: 14) در هoramی لهون جنوبی [-i] حذف و تکواز جمع [-e] افزوده می‌شود.

zən-i → zən-iT.
woman-FEM.SGwoman-FEM.PL
k'arj-i → k'arj-iN.L.
knife-FEM.SGknife-FEM.PL
wɪn-i → wɪn-eS.L.
blood-FEM.SGblood-PL

تکواز جمع در حالت فاعلی [-e] است که به اسم‌های مختوم به همخوان افزوده می‌شود و در هoramی تخت در اسم‌های مختوم به واکه‌های [-'a] و [-'ɛ] این واکه‌های بیانگر جنس حذف می‌شوند و به جای آن‌ها تکواز جمع می‌نشینند (سجادی، ۱۳۹۴: ۱۱۹؛ اما در هoramی شمالی [-a] حذف می‌شود؛ اما [ɛ] به عنوان تکواز جمع به آن افزوده می‌شود (MacKenzie, 1966: 15) در هoramی لهون جنوبی [-a] به [a] تبدیل می‌شود و تکواز جمع به صورت [-j] به آن افزوده می‌شود.

ha'n-a → ha'n-eT.
spring-MASC.SGspring-PL
da'g-a → da'g-eT.
village-FEM.SGvillage-PL
pi-'a → pi-'ɛN.L.
man-MASC.SGman-PL
a'r-a → a'r-ɛN.L.
mother-FEM.SGmother-PL
ga'l-a → ga'l-a-jS.L.
leaf-MASC.SGleaf-MASC-PL
fa'm-a → fa'm-eS.L.
candle-MASC.SGcandle-PL

در هoramی تخت در اسم‌های مختوم به [-'o] و [-'u] این دو واکه به [-v] (این واج فقط در هoramی تخت وجود نارد) یا به [-w] تبدیل می‌شوند و سپس تکواز جمع افزوده می‌شود (سجادی، ۱۳۹۴: ۱۲۰). در هoramی لهون شمالی این دو واکه هیچ تغییری نمی‌کنند

(MacKenzie, 1966:14) در حالی که در لهون جنوبی [-u] به [w] تبدیل می‌شود و تکواز [-

[e] به آن افزوده شده و [o] تغییری نمی‌کند و تکواز جمع به صورت [j-] به آن افزوده می‌شود.

la'l-o → la'l'-v-eT.

uncle-MASC.SGuncle-MASC-PL

ba'l-u → ba'l'-w-eT.

oak-MASC.SGoak-MASC-PL

'ro → ro'-eN.L

day-MASC.SGday-PL

aħuba'lu → aħuba'lu-eN.L

sourcherry-MASC.SGsourcherry-PL

la'l'o → la'l'o-jS.L

uncle-MASC.SGuncle-PL

3u'3-u → 3u'3'-w-eS.L

hedgehog-MASC.SGhedgehog-MASC-PL

در هoramی تخت در اسمهای مذکر مختوم به [-i] این واکه به [j-] تبدیل می‌شود و سپس

تکواز جمع افزوده می‌شود (سجادی، ۱۳۹۴: ۱۲۰). در هoramی لهون جنوبی نیز چنین است؛ اما

در لهون شمالی [-i] حذف می‌شود و تکواز جمع به جای آن می‌نشیند (MacKenzie,

.1966:14)

mez'g-i → mezg'-j-eT.

mosque-MASC.SGmosque-MASC-PL

dura'r-i → du'a'r-eN.L

window-MASC.SGwidow-PL

ge'dʒ-i → ge'dʒ-j-eS.L

shirt-MASC.SGshirt-MASC-PL

در اسمهای مؤنث مختوم به [-e] در شمار جمع هیچ تغییری رخ نمی‌دهد و این واکه هم

بیانگر جنس مؤنث و هم بیانگر شمار جمع است که با توجه به بافت تشخیص داده می‌شود. تکیه

به هجایی که واکه بیانگر جمع هسته آن است، منتقل می‌شود.

k(i)na'tʃ-e → k(i)na'tʃ-e

girl-FEM.SGgirl-PL

در شمار جمع اسم همراه با حرف تعریف معین در حالت فاعلی '-e- تکواز جمع در مؤنث

تغییری ایجاد نمی‌کند؛ اما در اسم مذکر به جای واکه پایانی -a- می‌نشیند.

k(i)natʃ-a'k-e → k(i)natʃ-a'k-e
girl-DEF-FEM.SGgirl-DEF-FEM.PL
ro-'k-a → ro-'k-e
day-DEF-MASC.SGday-DEF-MASC.PL

۶-۱-۴. محدودیت حالت

کلمات ممکن است در زبانی با گرفتن حالت‌های مختلف نظیر فاعلی یا غیرفاعلی، جنس دستوری متفاوتی بگیرند. در هoramی اسم دو حالت فاعلی (صریح)^{۶۷} و غیرفاعلی (غیرصریح)^{۶۸} می‌پذیرد (MacKenzie, 1966: 13). بیانگر جنس اسم در حالت غیرفاعلی برای جنس مؤنث در شمار مفرد^{۶۹} است. در این صورت بیانگر جنس در حالت فاعلی حذف می‌شود و بیانگر جنس در حالت غیرفاعلی جایگزین آن می‌شود. برای جنس مذکور در شمار مفرد پس از همخوان، -a و پس از واکه تکوازگونه آن، یعنی -z- استفاده می‌شود. در شمار جمع نیز در هر دو جنس a- است.

'har+i → 'har-i
donkey-DIR_{MASC}OBL.MASCdonkey-OBL.MASC
'kar*i*-i+e → 'kar*i*-e
knife-DIR.FEMOBL.FEMknife-OBL.FEM
pi'a+j → pi'a-j
man-DIR.MASCOBL.MASCman-OBL.MASC
?a'*u*-a+e → ?a'*u*-e
mother-DIR.FEMOBL.FEMmother-OBL.FEM
'ro+a(n) → ro-'a(n)
day-DIR.MASCOBL.PLday-OBL.PL.MASC
'karg-a+a(n) → kar'g-a(n)
hen-DIR.FEMOBL.PLhen-OBL.PL

همین تکوازها برای اسم همراه حرف تعریف معین نیز کاربرد دارد.

'kaʃ+-ak+ -a+-j → kaʃ-a'k-a-j
mountain_{MASC}DEF MASCOBL.MASCmountain-DEF-MASC-OBL.MASC
ba'x-e+-ak+-e+e → bax-a'k-e
garden-FEMDEFFEMOBL.FEMgarden-DEF-OBL.FEM
ja'n-a+-ak+-a(n) → jana-'k-a(n)
house-MASCDEFOBL.PLhouse-DEF-OBL.PL
'zan-i+-ak+-a(n) → zan-a'k-a(n)
woman-FEMDEFOBL.PLwoman-DEF-OBL.PL

برای حرف تعریف نامعین نیز همین تکوازها کاربرد دارد.

'kaʃ+-ew+ Ø+i → kaʃ-e'w-i

mountain_{MASC}-IDEF MASCOBL.MASCmountain-IDEF-OBL.MASC
 ba'x-e+- ew+-a+-e → bax-e'w-e
 garden-FEMIDEFFEMOBL.FEMgarden-IDEF-OBL.FEM
 ja'n-a+-ew+-a(n) → jan-e'w-a(n)
 house-MASCIDEFOBL.PLhouse-IDEF.OBL.PL
 'zan-i+-ew+-a(n) → zan-e'w-a(n)
 woman-FEMIDEFOBL.PLwoman-IDEF-OBL.PL

۶-۵. محدودیت واژگانی

ممکن است به دلیل محدودیت واژگانی بین اسم و تمام واپسنهای آن مطابقت جنس دیده نشود. در هoramی عدد یک تمایز جنس را مطابق جنس اسم نشان دهد؛ اما در اعداد بزرگتر از یک صفت شمارشی با جنس دستوری اسم تطابق نمی‌یابد و برای هر دو جنس از یک صفت شمارشی بهره گرفته می‌شود.

jo-tar-fa
 one_{MASC}-other_{MASC}-PC3p
 'jewa-tar-a-faT.=jəvaN.L.=juwa
 one_{FEM}-other-FEM-PC3p

۶-۶. محدودیت طبقه ساخت واژی

عناصری که با اسمها مطابقت می‌کند، انواع مختلفی دارند. در هoramی دو جنس وجود دارد که در صفت‌های اشاره نشان داده می‌شوند؛ اما صفت‌های اشاره «این» و «آن» تمایز جنس دستوری را نشان نمی‌دهند.

?aha'na?aw-i-ffir-e-na
 thatspring-MASCwater-FEM-PROver-FEM-EX3s
 thatspringwater-itsa lot of-is
 است - زیاد آبش چشمۀ آن
 ?iha'na?aw-i-ffir-e-na
 thisspring-MASCwater-FEM-PROver-FEM-EX3s
 thisspringwater-itsa lot of-is
 است - زیاد آبش چشمۀ این

۷. نتیجه

در این پژوهش به ویژگی جنس دستوری زبان گورانی به عنوان زبانی در معرض خطر پرداخته شد. این زبان در بین زبان‌های ایرانی، این ویژگی دستوری را از دیرباز تاکنون حفظ کرده است.

سه گویش هورامی تخت و هورامی لهون شمالی و جنوبی از گویش‌های زبان گورانی‌اند که طبق دسته‌بندی کوربت (1991) دارای جنس دستوری بارز و پنهان است و در این زبان به لحاظ معنا، مشخصه‌های واجی و ساختار واژه می‌توان کلمات را به دو دسته جنس مذکر و مؤنث تقسیم‌بندی کرد. در پی بررسی این سه گویش، مشاهده شد که شیوه استفاده از ویژگی جنس تا حد زیادی مشابه هستند؛ اما تفاوت‌هایی نیز در بین این سه گویش درباره این ویژگی دستوری وجود دارد. به لحاظ نظام معنایی در این سه گویش جنس دستوری به شکل یکسانی کاربرد دارد. بر اساس نظام صوری نیز که شامل دو بخش ساختار صوتی و ساختار واژه است، با بررسی داده‌ها به نتایج یکسانی در نحوه استفاده از این ویژگی دستوری در هر سه گویش رسیدیم؛ اما در نحوه استفاده از جنس دستوری در واژه‌ها دیدیم که واژه‌های قرضی در گویش هورامی لهون شمالی به‌شکل مؤنث و در گویش هورامی لهون جنوبی و هورامی تخت به شکل مذکر وارد این زبان می‌شوند. به علاوه با بررسی مطابقت جنس دستوری بین کلمات و محدودیت‌های اعمال شده روی این مطابقت‌ها دریافتیم اعمال محدودیت مطابقت جنس روی مشخصه شمار این سه گویش، به نتایج مقاومتی منجر می‌شود.

۸ پی‌نوشت‌ها

1. Corbett
2. Gender
3. Alvanoudi
4. Ritter
5. Greenberg
6. Alexiadou
7. Agreement
8. Natural Gender
9. Grammatical Gender
10. Aikhenvald
11. Brown and Miller
12. Hellinger and Bußmann
13. Baker
14. Jakob Grimm and Brugmann.
15. Sex
16. Prokosch's theory
17. Hirt
18. Mueller

۱۹. Brugmann
 ۲۰. Overt Gender
 ۲۱. Form
 ۲۲. Covert Gender
 ۲۳. Basic Information
 ۲۴. Semantic Residue
 ۲۵. Extra-linguistic
 ۲۶. Natural
 ۲۷. Biological
 ۲۸. Gender-specific
 ۲۹. Male-specific
 ۳۰. Female-specific
 ۳۱. Formal assignment rule
 ۳۲. Sound-structure
 ۳۳. Word-structure
 ۳۴. Derivation
 ۳۵. Inflection
 ۳۶. Conversion
 ۳۷. Borrowing words
 ۳۸. Haspelmath
 ۴۰. Katamba
 ۴۱. Normal assignment rule
 ۴۲. Poplack
 ۴۳. Unmarked gender
 ۴۴. Definite article
 ۴۵. Indefinite article
 ۴۶. Slavonic language
 ۴۷. Direct case
 ۴۸. Oblique case
- S.L.=South Lahun N.L.=North Lahun T.=Takht .^{۳۹}
 مثال‌ها به گویش لهون جنوبی است و معادل‌های دو گویش دیگر در برابر آن نوشته شده است، در مواردی که معادلی ذکر نشده است هر سه گویش برابر است.

۹. منابع

- بامشادی، پارسا و همکاران (۱۳۹۵). «بررسی معنایی سه حرف اضافه æra, ta, wæl در کردی گورانی از دیدگاه شناختی». *جستارهای زبانی*. د. ۷. ش. ۴. پیاپی ۳۲ - ۵۹ - ۸۰.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۲). *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی*. ج. ۲. تهران: سمت.

- رخزادی، علی (۱۳۹۰). آواشناسی و سنتور زبان کردی. سندج: کردستان.
- رضایی باغبیدی، حسن (۱۳۸۸). *تاریخ زبان‌های ایرانی*. تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- سجادی، سیدمهدي (۱۳۹۴). جنس سنتوری در زبان هورامی. مریوان: ئهون.
- کریمی‌دوستان و همکاران (۱۳۹۰). «ساختهای کنایی در گویش هورامی». *جستارهای زبانی*. د. ۲. ش. ۲. پیاپی ۶. صص ۷۳ - ۹۹.
- نفرگوی، مهرداد و زانیار نقشبندی (۱۳۹۵). «بررسی افعال وجہی در هورامی». *جستارهای زبانی*. د. ۷. ش. ۲. پیاپی ۳۱. صص ۲۲۳ - ۲۴۳.

- Bamshadi, P. et al. (2016). “Semantic study of *wæl*, *ta*, *aera* propositions in Gurani from cognitive prospective”. *Language Related Research*. 7(4). 32. Pp: 59-80.[In Persian].
- Dabirmoghadam, M. (2013). *Typology of Iranian Languages*. Vol. 2. Tehran: SAMT. [In Persian].
- Rokhzadi, A. (2011). *Phonetics and Grammar of Kurdish*. Sanandaj: Kurdestan .[In Persian].
- Rezai Bagh-Bidi, H. (2009). *History of Iranian Languages*. Tehran: CGIE. .[In Persian].
- Sajadi, S. M. (2015). *Gender of Hawrami*. Marivan: Avin.[In Persian].
- Naghzguy, M. & Z. Naghshbandi, (2016), “Auxiliaries in Hawrami”. *Language Related Research*. 7(3), 31.Pp: 223-243 .[In Persian].
- Karimi-Doostan, Gh.H. et al. (2010). “Ergative constructions in Hawrami”. *Language Related Research* 2(2). 6.Pp: 73-92 .[In Persian].
- Aikhenvald, A.Y. (2000). *Classifiers: A Typology of Noun Categorization Devices*. Oxford: Oxford University Press.
- Alexiadou, A.; L. Haegeman & M. Stavrou, (2007), “Noun phrase in the generative perspective”. *Walter de Gruyter GmbH & Co. KG*, D-10785 Berlin.

- Allison, C. (2007). “The Kurds are alive: Kurdish in Iraq”. In Postgate, J. N. (ed.) *Languages of Iraq: Ancient and Modern*. Cambridge: Cambridge University Press. Pp: 135-158.
- Alvanoudi, A. (2014). *Grammatical Gender in Interaction Cultural and Cognitive Aspects*. Leiden: Brill.
- Baker, M. C. (2004). *LEXICAL CATEGORIES (Verbs, Nouns, and Adjectives)*. Cambridge University Press.
- Blau, J. (1989). “Gurânî et zâzâ”. In R. Schmitt (Ed.). *Compendium Linguarum Iranicarum*. Wiesbaden: Dr. Ludwig Reichert Verlag. Pp : 336–340.
- Booij, G. (2005). *The Grammar of Words: An introduction to linguistic morphology*. (Second Edition). Oxford University Express.
- Brown, K. & J. Miller, (2013), *The Cambridge Dictionary of Linguistics*. Cambridge University Press.
- Brugmann, K. (1897). *The Nature and Origin of the Noun Genders in the Indo-European Languages*. New York.
- Corbett, G. (1991). *Gender*. Cambridge University Press.
- Erfurt, T. of. (1972). *Grammatica Speculativa*. Bursill-Hall G L (transl.) London: Longman.
- Greenberg, J. (1963). “Some Universals of Grammar with Particular Reference to the Order of Meaningful Elements”. In id. (ed.), *Universals of Language*. Pp: 73–113. Cambridge Mass: MIT Press.
- Haspelmath, M. (2010). *Underestanding Motphology*. (Second Edition). Hodder Education, An Hachette UK Company.
- Hellinger, M. & H. Bußmann, (2001), *Gender Across Languages (volume I)*. Amsterdam: John Benjamins Publishing Company.
- Holmberg, A. & D. Odden, (2004), “Ergativity and Role-Marking in Hawrami”. *First International Conference on Aspects of Iranian Linguistics*. Leipzig: Max Plank Institute.

- Holmberg, A. (2004), “The Noun Phrase in Hawrami”. *First International Conference on Aspects of Iranian Linguistics*. Leipzig: Max Plank Institute.
- Holmberg, A. (2004). “The Izafe and NP Structure in Hawrami”. *Durham Working Papers in Linguistics*. 10. Pp : 77-93.
- Katamba, F. (1993). *Morphology*. New York: St. Martin's Press.
- MacKenzie, D. N. (1966). *The Dialect of Awroman (Hawrāmān-ī Lahōn): Grammatical Sketch, Texts, and Vocabulary*. København: The Royal Danish Academy of Science and Letters.
- Moseley, C. (2007). *Encyclopedia of the World's Endangered Languages*. London: Routledge.
- Mueller, E. H. (1943). “Theories concerning the origin of the grammatical gender in German”. *GQ*. 16.Pp:90-98.
- Poplack, S.; A. Pousada & D.Sankoff (1982). “Competing influences on gender assignment: Variable process, stable outcome”. *Lingua*. Pp. 58:1-28.
- Ritter, E. (1993). “Where's Gender?: Linguistic Inquiry”. *The MIT Press*. pp. 795-803.

Gender in Hawrāmī

Behrooz Mahmoodi-Bakhtiari¹, Vahid Ranjbar Chogha Kaboudi^{2*},
Minou Nasajian³

1. Professor of Linguistics, Faculty of Art, University of Tehran, Iran.

2. Ph.D. Candidate in General Linguistics, University of Tehran, Tehran-Iran.

3. M.sc in Computational linguistics, Center for Languages and Linguistics, Sharif University of Technology- Tehran, Iran.

Received: 23/10/2017

Accepted: 02/03/2018

Gorani is one of the Northwestern Iranian languages spoken in Kermanshah and Kurdistan provinces of Iran, as well as a part of Iraqi Kurdistan. This language is highly endangered due to the heavy influence of its neighboring commonly spoken languages such as Persian, Arabic, and Kurdish. Gorani has maintained some very interesting grammatical features of the Middle Iranian languages, including gender, to which scholars like Mackenzie (1966) and Sajjadi (2014) have briefly made references. With respect to the notably effective role of gender in Gorani morphology and syntax, this essay sets out to address its uses and different forms by the field data of Hawrāmī Lahun and Hawrāmān Takht dialects. Considering the Corbett's framework of gender (1991), methods for identifying the gender of loanwords and compound words are suggested. The results indicate significant differences in the grammatical gender of borrowed words from other languages, in the use of masculine and feminine case markers, and in the use of personal endings. Moreover, the findings show how the gender of nouns can influence some modifiers, such as the nominal dependent, in the above mentioned dialects.

Keywords: Gender, Endangered language, Hawrāmān Takht, Hawrāmī Lahun

* Corresponding author. E-mail: v.ranjbar.ch@ut.ac.ir